

شفاعت عقوبت و نجات در قرآن و عهدین

محمد کاوه^۱

چکیده

در مطالعات بین ادیان شفاعت عقوبت و نجات یکی از موضوعات مشترک در کتاب‌های ادیان بزرگ الهی است. بدین معنی که مرتکبین گناه با عمل شفاعت، از مجازات الهی بخشیده شوند. این موضوع در کتاب مقدس یهودیان به عنوان مثال در کتاب اشعیا (باب ۵۳ فقره ۱۲)، عهد جدید، رومیان (باب ۵ فقره ۱۵) و در قرآن مجید، سوره انبیاء (آیه ۲۸) اشاره شده است. شفاعت عقوبت در عهد عتیق به صفت رحمت خدا (اعلاد، باب ۱۴) و در قرآن مجید به صفات رحمانیت (زمر/۵۳ و انبیاء/۱۰۷)، رحیم بودن (طه/۱۰۹ و مریم/۸۷) و غفارت خداوند (زمر/۵۳) نسبت داده شده است. اما تفسیر شفاعت، کیفیت تأثیر عمل شفاعت (مستقل یا وابسته) در مجازات، رابطه شفاعت با توحید افعالی، نقض اراده الهی، تجرّی گناهکار، عدل الهی و پیام‌های مربوط به این موضوع خوب تبیین نگردیده است. در تحقیق حاضر تفاسیر مختلف از موضوع و مسایل پیرامون آن از منظر ادیان تبیین شده است.

واژگان کلیدی

شفاعت، عقوبت، نجات، شفاعت، توحید افعالی، عدل الهی و عهدین.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب Email: Kave 41@ Gmail.com

طرح مسأله

شفاعت به معنای خواهش گری، در خواست آمرزش گناه از کسی که جنایت و ستم در باره او انجام شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۶۲۹/۹). در مفردات راغب در مورد کلمه شفع آمده است: الشفع ضم الشيء الى مثله، ويقال للمشفوع: شفع و الشفاعة: الانضمام الى آخر ناصرا له و سائلا عنه، (مفردات راغب، ماده شفع؛ ۲۰۰۰: ۲۶۶) و در اصطلاح علم کلام عبارت از رسیدن رحمت و مغفرت به بندگان خدا از طریق اولیاء، عباد صالح خداوند است (حافظ علاء البصری؛ ۱۴۱۵: ۱۷۷؛ و جعفر سبحانی؛ ۱۴۲۷: ۴۴۱).

شفاعت عقوبت از موضوعات مشترک اعتقادی میان سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام است. یهودیان (فریسیان) معتقدند که آنان در آخرت اهل دوزخ نیستند و اگر چنانچه مورد عذاب واقع شوند، مدت عذابشان محدود است. «آتش جهنم تسلطی بر ارواح گناهکاران اسرائیل ندارد» (ابراهام کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۶).

در عهد جدید آمده است: پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند (رومیان، باب ۸، فقره ۱)؛

در قرآن مجید در مورد موضوع شفاعت عقوبت چنین آمده است: لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا (مریم/۸۷)؛ یومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له قولا (طه/۱۰۹)؛ ا اتخذ من دونه الهة ان یردن الرحمن بضر لا تغن عنی شفاعتهم شیئا و لا یتقذون (یس/۲۳) و قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم (زمر/۵۳).

بر این اساس در اینجا سوالاتی مطرح می‌شود که جای تامل و رزی دارد. آیا عمل واسطه‌گر اعمال نفوذ در اجرای مجازات الهی نیست؟ آیا قبول شفاعت از سوی خداوند موجب تبعیض و مصداق ظلم نیست؟ آیا اتکاء به واسطه‌گری موجب آثار منفی مانند ترویج معصیت و بد اخلاقی متدینان نمی‌گردد؟ آیا با وجود توبه نیازی به شفاعت یا بر عکس آن هست؟

از این رو متکلمان ادیان برای اثبات شفاعت عقوبت و پاسخ به سؤالات بالا، متناسب با منابع مرجع به توضیح و تفسیر ماهیت شفاعت موعود، اقسام شفاعت تشریعی (دنیا و

آخرت)، شرایط شفیع و معرفی شفیعان، شرایط مشفوع له، مشفوع فیه و مکان شفاعت (دنیا، برزخ و قیامت) پرداختند.

در این مقاله به بررسی و تحلیل این موضوع و مسایل پیرامون آن و مقایسه آنها با همدیگر می‌پردازیم.

الف) شفاعت عقوبت در یهودیت

این موضوع در دو کتاب یهودیان، یعنی: کتاب تنخ^۱ و کتاب تلمود بیان شده است. با این تفاوت که در کتاب اول عمل شفاعت مربوط به دنیاست و در کتاب دوم عمل شفاعت مربوط به آخرت است. به عنوان مثال به موارد زیر اشاره می‌گردد:

۱. بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهد نمود به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود (اشعیا، ۵۲: ۱۲).

۲. ابراهیم خلیل، جد اعلی و سرور قوم یهود، برای رهایی ارواحی که محکوم به عقوبت کشیدن در جهنم شده اند کوشش می‌کند. ابراهیم آنها را از آن مکان بیرون می‌آورد، و از ایشان پذیرایی می‌کند (ابراهام کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۵).

۳. مهمترین وسیله رهایی انسان از عقوبت دوزخ، آموختن و مطالعه تورات است. "آتش جهنم بر دانشمندان تورات اثری ندارد". یا خواندن بعضی دعاها نیز وسیله دیگری است برای ایمن ماندن از عقوبت جهنم. "هر کس که (شمع ایسرائل را بخواند، و در صحیح تلفظ کردن حروف آن دقت نماید، جهنم را برای او سرد می‌کنند. (همان: ۳۸۶).

اما با توجه به عدم اعتقاد غیر فریسیان، مسیحیان و مسلمانان به کتاب تلمود، ما این موضوع و مسایل پیرامونی آن را در کتاب اول یهودیان در شش بخش دنبال خواهیم کرد.

۱. الف) ماهیت شفاعت عقوبت و شافعان

در کتاب‌های مختلف «تنخ» حقیقت شفاعت شافعان در لابه لای عبارات بیان گشته است. از نحوه‌ی گفتگوی حضرات ابراهیم، موسی و سلیمان با خداوند مشخص می‌شود که شفیع در بارگاه الهی در مورد صفات کمال خداوند وارد گفتگو شده و از او طلب

۱. دارای دو نسخه عبری و یونانی به نام هبروتیکا و سبتواجتا است.

شفاعت می‌کند و خداوند رأی شفیع را می‌پذیرد. از باب نمونه به موارد زیر اشاره می‌گردد:

در نحوه‌ی شفاعت عقوبت ابراهیم چنین بیان گشته است.

يَهُوهَ كَافَتْ: "اگر پنجاه عادل در شهر سدوم یابم هر آینه تمام آن مکان را به خاطر ایشان رهایی دهم." ابراهیم در جواب گفت: "اینک من که خاک و خاکستر هستم جرأت کردم که به يَهُوهَ سخن گویم. شاید از آن پنجاه عادل پنج کم باشد. آیا تمام شهر را بسبب پنج هلاک خواهی کرد؟" گفت: "اگر چهل و پنج در آنجا یابم آن را هلاک نکنم." بار دیگر بدو عرض کرده و گفت: "هرگاه در آنجا چهل یافت شوند؟" گفت: "به خاطر چهل آنرا نکنم." گفت: "زنهار غضب يَهُوهَ افروخته نشود تا سخن گویم. شاید در آنجا سی پیدا شوند؟" گفت: "اگر در آنجا سی یابم این کار را نخواهم کرد." گفت: "اینک جرأت کردم که به يَهُوهَ عرض کنم. اگر بیست در آنجا یافت شوند؟" گفت: "به خاطر بیست آن را هلاک نکنم." گفت: "خشم يَهُوهَ افروخته نشود تا این دفعه را فقط عرض کنم شاید ده در آنجا یافت شوند؟" گفت: "به خاطر ده آن را هلاک نخواهم ساخت (کتاب پیدایش، ۱۸: ۲۶-۳۳).

هم چنین در مورد شفاعت‌های حضرت موسی آمده است

۱. پرستش گوساله ساخته شده

پس موسی نزد يَهُوهَ خدای خود تضرع کرده گفت: "ای يَهُوهَ چرا خشم تو بر قوم خود که با قوت عظیم و دست زورآور از زمین مصر بیرون آورده ای مشتعل شده است؟ چرا مصریان این سخن گویند که ایشان را برای بدی بیرون آورد تا ایشان را در کوهها بکشد و از روی زمین تلف کند؟ پس از شدت خشم خود برگرد و از این قصد بدی قوم خویش رجوع فرما. بندگان خود ابراهیم و اسحاق و اسرائیل را بیادآور که برای ایشان به ذات خود قسم خورده بدیشان گفتمی که ذریت شما را مثل ستارگان آسمان کثیر گردانم و تمامی این زمین را که درباره‌ی آن سخن گفته‌ام به ذریت شما بخشم تا آنرا متصرف شوند تا ابدالآباد." پس يَهُوهَ از آن بدی که گفته بود که به قوم خود برساند رجوع فرمود (سفر خروج: ۱۴/۳۲-۱۱).

۲. شکایت بنی اسرائیل نسبت به خداوند

و قوم شکایت کنان در گوش یَهُوَه بد گفتند و یَهُوَه اینرا شنیده غضبش افروخته شد و آتش یَهُوَه در میان ایشان مشتعل شده در اطراف اردو بسوخت. و قوم نزد موسی فریاد برآورده موسی نزد یَهُوَه دعا نمود و آتش خاموش شد (سفر اعداد، ۱: ۱۱-۱۳).

۳. شورش در مقابل دستور موسی مبنی بر ورود به کنعان

یَهُوَه به موسی گفت: "تا به کی این قوم مرا اهانت نمایند؟ و تا به کی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نمودم به من ایمان نیاورند؟ ایشان را به ویا مبتلا ساخته هلاک می کنم و از تو قومی بزرگ و عظیم تر از ایشان خواهم ساخت." موسی به یَهُوَه گفت: چنانکه گفته بودی که یَهُوَه دیرخشم و بسیار رحیم و آمرزنده گناه و عصیان است لیکن مجرم را هرگز بی سزا نخواهد گذاشت بلکه عقوبت گناه پدران را بر پسران تا پشت سوم و چهارم میرساند. پس گناه این قوم را بر حسب عظمت رحمت خود بیامرز چنانکه این قوم را از مصر تا اینجا آمرزیده ای. "یَهُوَه گفت: "بر حسب کلام تو آمرزیدم (همان، ۱۴: ۱۱-۲۰).

۲. الف) مشفوع فیه چیست

آیا هرگناهی در این دنیا مورد شفاعت خداوند قرار می گیرد؟ خیر. زیرا حضرات موسی، داوود و یوئیل از خداوند برای برخی معاصی طلب شفاعت عقوبت کردند و خداوند از آنان پذیرفت. اما خداوند شفاعت ارمیا در مورد معصیت قومش «شُرک» را نپذیرفت. در اینجا برای آشنایی با نوع معاصی، درخواست های پیامبران مذکور آورده می شود.

۲.۱. الف: شفاعت حضرت موسی برای مریم در مورد اعتراضش به موسی را خداوند پذیرفت: پس موسی نزد یَهُوَه استغاثه کرده گفت: "ای خدا او را شفا بده!" یَهُوَه به موسی گفت: "اگر پدرش به روی وی فقط آب دهان می انداخت آیا هفت روز خجل نمیشد؟ پس هفت روز بیرون لشکرگاه محبوس بشود و بعد از آن داخل شود" (اعداد، ۱۲: ۱۴-۱۳).

۲.۲. الف: شفاعت داوود برای قوم خود نسبت به سر شماری سپاه و داود به خدا گفت: "آیا من برای شمردن قوم امرنفرمودم و آیا من آن نیستم که گناه ورزیده مرتکب شرارت زشت شدم؟ اما این گوسفندان چه کرده اند؟ پس ای یَهُوَه خدایم مستدعی این که دست تو

بر من و خاندان پدرم باشد و به قوم خود بلا مرسانی" (اول تواریخ، ۲: ۱۷).

۲.۳. الف: یوئیل در مورد نافرمانی قوم از دستورات الهی آمده است: کاهنانی که خدام یهوه هستند در میان رواق و مذبح گریه کنند و بگویند: "ای یهوه بر قوم خویش شفقت فرما و میراث خویش را به عار مسپار مبادا امتهای بر ایشان حکمرانی نمایند. چرا در میان قومها بگویند که خدای ایشان کجا است؟ پس یهوه برای زمین خود به غیرت خواهد آمد و بر قوم خویش شفقت خواهد نمود و یهوه قوم خود را اجابت نمود (یوئیل، ۲: ۱۹-۱۷).

۲.۴. شفاعت ارمیا؛ و یهوه مرا گفت: "فته‌ای در میان مردان یهودا و ساکنان اورشلیم پیدا شده است. به خطایای پدران پیشین خود که از شنیدن این سخنان ابا نمودند برگشتند و ایشان خدایا غیر را پیروی نموده آنها را عبادت نمودند. و خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی را که با پدران ایشان بسته بودم شکستند. بنابراین یهوه چنین میگوید: "اینک من بلایی را که از آن نتواند رست بر ایشان خواهم آورد. پس تو (ارمیا) برای این قوم دعا مکن و به جهت ایشان آواز تضرع و استغاثه بلند منما زیرا که چون در وقت مصیبت خویش مرا بخوانند ایشانرا اجابت نخواهم نمود (ارمیا، ۱۱: ۹-۱۴).

از موارد ذکر شده مشخص می‌گردد که شفاعت عقوبت در مورد مشفوع له‌ای پذیرفته است که همراه و هم اعتقاد با شفیع باشد و هم چنین پذیرش شفاعت عقوبت در مورد معاصی غیر از شرک بوده است.

۳. الف) شفاعت عقوبت و کمال الهی

موضوع پذیرش طلب شفاعت عقوبت در گفتار حضرت موسی (کتاب اعداد: ۲۰/۱۴) و برخی انبیاء الهی دیگر به صفت «رحمت» خدا (به معنای رفع حوائج محتاجان) نسبت داده شده است. به عنوان مثال چنین آمده است:

۱. در مورد گوساله پرستی آمده است: چون گوساله ریخته شده‌ای برای خود ساختند و گفتند: (ای اسرائیل!) این خدای تو است که تو را از مصر بیرون آورد و اهانت عظیمی نمودند. آنگاه تو نیز بر حسب رحمت عظیم خود ایشانرا در بیابان ترک نمودی (نحمیا، ۹: ۱۸-۱۹).

۲. ای خدایم گوش خود را فراگیر و بشنو و چشمان خود را باز کن و به خرابیهای ما

و شهری که به اسم تو مسمی است نظر فرما زیرا که ما تضرعات خود را نه برای عدالت خویش بلکه برای رحمت‌های عظیم تو به حضور تو می‌نماییم. ای یَهُوَه بشنو! ای یَهُوَه بیمارزا ای یَهُوَه استماع نموده به عمل آورا ای خدای من بخاطر خودت تأخیر منما زیرا که شهر تو و قوم تو به اسم تو مسمی می‌باشند." (کتاب دانیال، ۹: ۱۸-۱۹).

۳. به یَهُوَه خدای خود بازگشت نمایند زیرا که او رثوف و رحیم است و دیرخشم و کثیر احسان و از بلا پشیمان میشود (یونیل، ۲: ۱۲).

۴. الف) شفاعت عقوبت و توبه در یهودیت

در مورد «شفاعت عقوبت» و «توبه» در برخی کتاب‌های عهد عتیق از نظر ظرف زمانی فرقی گذاشته نشده و هر دو در ظرف زمانی دنیا مطرح گردیده است. در حالی که میان آن دو تفاوت‌هایی به نظر می‌رسد. به عنوان مثال هر معصیتی مورد شفاعت عقوبت واقع نمی‌شود. ولی توبه برای هر معصیتی صحیح است. هم چنین توبه در جهان آخرت نیست ولی شفاعت ممکن است. البته برای اثبات شفاعت عقوبت در جهان آخرت نیاز به دلیل نقلی از کتاب مقدس داریم که متأسفانه در عهد عتیق از آن سخن گفته نشده است. در این قسمت به چند نمونه از توبه اشاره می‌گردد.

۴.۱. الف. بنابراین یَهُوَه چنین می‌گوید: "اگر بازگشت نمایی من بار دیگر تو را به حضور خود قایم خواهم ساخت و اگر نفایس را از رذایل بیرون کنی آنگاه تو مثل دهان من خواهی بود و ایشان نزد تو خواهند برگشت و تو نزد ایشان بازگشت نخواهی نمود (کتاب ارمیا، ۱۹).

۴.۲. الف. "به ایشان بگو: سلطان تعالی یَهُوَه می‌فرماید: به حیات خودم قسم که من از مردن مرد شریر خوش نیستم بلکه (خوش هستم) که شریر از طریق خود بازگشت نموده زنده ماند. ا. خاندان اسرائیل بازگشت نمایند! از طریق‌های بد خویش بازگشت نمایند زیرا چرا بمیرید؟ (حزقیال، ۳۳: ۱۱).

۴.۳. الف. و لکن الآن یَهُوَه می‌گوید با تمامی دل و با روزه و گریه و ماتم بسوی من بازگشت نمایند. و دل خود را چاک کنید نه رخت خویش را و به یَهُوَه خدای خود بازگشت نمایند زیرا که او رثوف و رحیم است و دیرخشم و کثیر احسان و از بلا پشیمان میشود

(یوئیل، ۲: ۱۳-۱۲).

در جمع بندی شفاعت عقوبت موارد زیر مشخص می گردد:

۱. شفاعت عقوبت‌های صورت گرفته توسط حضرات ابراهیم (ع)، موسی (ع) و ارمیای نبی (ع) و... برای خلاصی از عذاب دنیوی بوده است.

۲. پیامبران بنی اسرائیل در تقاضای شفاعت عقوبت از صفت رحمت و شفقت خداوند یاد کرده‌اند.

۳. عمل شفاعت عقوبت در جهان آخرت در کتاب تورات نیامده است. این موضوع نه به این معناست که در آنجا عمل شفاعت نیست؛ بلکه به دلیل عدم طرح موضوع قیامت در تورات است. و از این رو «صدوقیان» به موضوع قیامت اعتقاد نداشتند و در مواجهه با حضرت عیسی از وی در مورد قیامت سؤال می کردند (انجیل متی، ۲۲: ۲۳ و لوقا، ۲۰: ۲۷). اما فریسیان با توجه به وحیانی دانستن کتاب تلمود و ذکر شفاعت عقوبت در آن به شفاعت در قیامت معتقد هستند. زیرا در آن نوشته شده است: آتش جهنم بر دانشمندان تورات اثری ندارد... آتش جهنم تسلطی بر ارواح گناهکار اسرائیل ندارد. این نکته را می توان از وضع قربانگاه زرین درک نمود. اگر قربانگاه زرین که روکشی از طلا به ضخامت یک دینار داشت از آتشی که سالهای بسیار دور روی آن می سوخت آسیبی نمی دید، پس گناهکاران اسرائیل که علی‌رغم گناهکاریشان هنوز به اندازه دانه های انار پر از نیکو کاری هستند، بطریق اولی که آتش جهنم بر ارواح آنها مسلط نمی شود (کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۶).

۴. بر اساس کتاب تلمود شفاعت عقوبت در ظرف قیامت توسط حضرت ابراهیم برای مطلق یهودیان اعم از نیکوکار و گناهکار صورت می گیرد.

ب) شفاعت عقوبت و نجات در مسیحیت

در عهد جدید با توجه به جنبه‌های رسالت عیسی؛ لقب‌هایی مانند «خداوند و منجی» یعنی کسی که خدا نجات بشر را به دست او محقق می‌بخشد، به عیسی داده شده است (میشل، کلام مسیحی؛ ۱۳۷۷: ۷۰-۶۹). این دو لقب با توجه به اعتقاد مسیحیان به گناه اولیه

آدم^۱ (رومان، ۵: ۱۲) است. علاوه بر این مصوبه شورای کارتاژ (۴۱۸ م)، مبنی بر دفاع از دیدگاه آگوستین (آموزه فیض)، موجب گردید که موضوع شفاعت عقوبت و نجات در کلیسای غرب نسبت به کلیساهای

دیگر گسترش بیشتری یافته است. در دیدگاه اینان ظهور حضرت عیسی (ع) در دنیا و قربانی شدن وی برای نجات و رستگاری انسانی که از اراده لازم برای رهایی از گناه برخوردار نیست، می باشد.

در اینجا به نمونه هایی از شفاعت عقوبت و نجات در عهد جدید اشاره می گردد.

۱. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا بوسیله او جهان نجات یابد. آنکه به او ایمان آورد بر او حکم نشود اما هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده. (یوحنا، ۳: ۱۸-۱۷ و غلاطیان، ۳: ۱۳).

۲. عیسی گفت: «ای پدر اینهارایا میارز زیرا که نمیدانند چه میکنند (لوقا، ۲۳: ۳۴).

۳. پولس در مورد عیسی نوشته است: از این جهت نیز قادر است که آنانی را که بوسیله وی نزد خدا آیند نجات بینهایت بخشد چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشانرا

۱. این آموزه موجب گردید تا پولس آموزه «فداء» (یعنی نجات بشریت به وسیله مرگ مسیح) را مطرح کند. وی در نامه های خود نوشته است: که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای خود ظاهر سازد (تیطس: ۱۴/۲)؛ که در وی به سبب خون او فدیة یعنی آموزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم (افسیان: ۷/۱)؛ پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم بوسیله او از غضب نجات خواهیم یافت (رومان: ۹/۵).

قدیس آگوستین: تمام ابنای بشر به علت سقوط آدم به گناه آلوده شدند گناه ذهن انسان را تیره و تار ساخت و باعث شد که فرد گناهکار نتواند به درستی بیندیشد و در واقع گنهکار بودن ما کاملاً از کنترل ما خارج است وضعیتی که زندگی ما را از بدو تولد آلوده میسازد و پس از آن نیز بر ما مسلط میشود و گناه جزء طبیعت بشر شده است و گناه اولیه آدم یک بیماری ارثی را بشر حاصل شد که به صورت ارثی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود و بشر را در اسارتی فرو برده که خود به خود قادر نیست از چنگال آن رهایی یابد و در حقیقت از نظر یک مفهوم حقوقی تقصیری را از نسلی به نسل دیگر منتقل میکند و گناه پدری بر تمام فرزندان بار میشود (الستر مک کراث، درآمدی بر الاهیات مسیحی، ترجمه دیباج: ۴۵۷).

بکند. زیرا که ما را چنین رئیس گنه شایسته است قدّوس و بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده که هر روز محتاج نباشد به مثال آن رؤسای گنه که اول برای گناهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذرانند چونکه اینرا یک بار فقط بجا آورد هنگامی که خود را به قربانی گذرانید (عبرانیان، ۷: ۲۶-۲۵).

گناه در مسیحیت

در مسیحیت گناه نسبت به ادیان دیگر تفسیری و تاثیر منحصر بفرد دارد. مبدا آن به گناه آدم و حوا بر می گردد (پیدایش فصل ۳). و تاثیر آن دگرگون شدن زندگی بشر است. در تفسیر مسیحیان آدم و حوا در ابتدای خلقت کاملاً پاک و مقدس بودند اما آنها با خوردن از میوه درخت معرفت عصیان کرده و طبیعتشان ناپاک گشت و دیگر قدرت لازم برای پیروی از انتظارات خدا را نداشتند. طبیعت ناپاک آدم و حوا به فرزندانش منتقل شد، تا جایی که از داود نبی نقل شده است: اینکه در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبستن گردید (مزامیر، ۵۱: ۵). و پاپ پیوس نهم برای رهایی حضرت مریم از گناه اولیه در فرمان پاپی در سال ۱۸۵۴ میلادی معصومیت حضرت مریم از آثار گناه اولیه یا «لقاح مطهر» را اعلام داشت (تونی لین، ۱۳۸۰: ۴۷۶).

گناه در مسیحیت شامل افعال ناشایست و هم چنین حالات نفسانی غیر ارادی می شود. میسیونر مسیحی در مورد گناه نوشته است: گناه فقط انجام کارهای نادرست از قبیل دزدی و زنا کاری و مستی و یا قتل نیست. گناه اصولاً جدایی و دور از خدا و شامل تمام چیزهایی است که بر خلاف اراده مقدس خدا باشد. گناه فقط شاملکارهای شریرانه نیست بلکه غرور؛ حسادت؛ نفرت و افکار شهوانی نیز گناه محسوب می شود (میلر؛ بیتا: ۱۸).

اثرات گناه در مسیحیت عبارت است از: مرگ (جسمی و روحی) آدم، مغضوب واقع شدن و تضعیف اراده آزاد انسان و فرزندانش است. بندگی اراده انسان به گناه حتی در دوره اصلاحات مطرح بود و لوتر و کالوین آن را تصدیق کردند (رابرت ای. وان وورست؛ ۱۳۸۳: ۱۷۶).

رابطه انسان و خدا در مسیحیت

به اعتقاد مسیحیان در اثر گناه اولیه رابطه انسان با خداوند قطع گردید و خداوند نسبت

به انسان مغضوب شد. دکتر ویلیام در مورد وضعیت انسان بعد از گناه نوشته است: حالت و وضع انسان بسیار تأسف آور است! چون در نتیجه نافرمانی رابطه خود را با خدا قطع کرده است مانند گوسفند گمشده ای است که در بیابان لم یزرع و خشک نزدیک به مرگ می باشد (اشعیا، ۵۳: ۶). چون دیگر فرزند روحانی خدا نیست دشمن خدا و اسیر شیطان است. چون دیگر نمی تواند در راههای مقدس خدا قدم بزند در واقع در گناه مرده است (م. میلر؛ بیتا: ۱۷).

اما خداوند از روی محبت برای برگشت و برقراری ارتباط آدم و فرزندانش با خودش، وارد عمل می شود و مسیح را فرستاد و او را در راه آنها می راند (رومیان، ۵: ۱۲-۸). با مرگ عیسی (ع) انسان توانایی لازم برای اطاعت خداوند را پیدا کرد (م. میلر؛ بیتا: ۵۱) و انسان با اعتراف به گناه و ایمان به عیسی به عنوان نجات دهنده، آمرزیده می شود (اول یوحنا، ۱: ۹ و م. میلر، بیتا: ۵۶).

یکی از متکلمان مسیحی نوشته است: دومین تفسیر مسیحیان از مرگ عیسی کفاره شدن او برای گناهان است. مسیحیان و مسلمانان در محدوده شخصیت فردی انسانها اتفاق نظر دارند که هر گاه کسی به گناه تن در می دهد، رابطه او با خدا قطع می شود و هر گاه توبه می کند، خدا از او در می گذرد و گناه فردی و درونی او را می شوید. مساله به اینجا خاتمه نمی یابد و اثر وضعی تجاوز به ساحت الهی، جهان آفرینش و نظام اخلاقی همچنان باقی است..... به عقیده مسیحیان، عیسی با تسلیم شدن کامل و اطاعت مطلق، دیواری را که گناه بین خدای بی نهایت شایسته و انسان متمرّد قرار داده بود، منهدم کرد. از نظر مسیحیان مرگ عیسی عهد جدیدی را میان خدا و تمام بشریت، و نه فقط قوم یهود، منعقد کرد. عیسی هنگام شام آخر گفت: پیاله را بگیرید و بنوشید؛ این است خون من در عهد جدید که در راه شما و به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود (توماس میشل، ۱۳۷۷: ۸۸۹).

ماهیت شفاعت در مسیحیت

با توجه به همداتی عیسی با خدا (شورای نی. سی. آ. ۳۲۵ م) و هم چنین مصوبه شورای قسطنطنیه (۳۸۱ م) مبنی بر واسطه بودن عیسی در خلقت عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، به وجود آمده از پدر پیش از خلقت جهان، نور از نور، خدای حقیقی، به وجود آمده و

نه خلق شده، هم‌ذات با پدر. توسط او همه موجودات خلق شدند و به‌خاطر ما انسان‌ها و برای نجات ما، وی از آسمان نزول کرد و از روح‌القدس و مریم باکره جسم گردید و انسان شد» (تونی لین، ۱۳۸۰: ۵۱/۶۹).

در اینجا سؤال بوجود می‌آید؛ نقش حضرت عیسی در شفاعت چیست؟ آیا عیسی (ع) واسطه مستقل است؟ پاسخ این سؤال به جایگاه عیسی در دین مسیحیت برگشت می‌کند. در برخی قسمت‌های عهدجدید مانند: من و پدر یک هستیم. «(یوحنا، ۱۰: ۳۰) و تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی (یوحنا، ۱۷: ۲۰). و هم چنین مصوبات شورای کلیسایی زمینه ساز اعتقاد به «الوهیت» عیسی و موضوع تثلیث گردید.

اگر تثلیث به این معنا باشد که خدا دارای سه اقنوم و شخصیت متمایز است که هر کدام کامل، خدا هستند^۱ و در عین حال فقط یک خداست. در این صورت حضرت عیسی در شفاعت خود مستقل خواهد بود. چنانکه از ظاهر عبارت زیر برداشت می‌گردد.

«پس دیگر چه کسی می‌تواند ما را محکوم نماید؟ آیا مسیح؟ نه! چون اوست که در راه ما مرد و زنده شد و اکنون در بالاترین مقام، در کنار خدانشسته است و برای ما شفاعت می‌کند» (رومیان، ۸: ۳۴). هم چنین: و زیرا مرا چه کار است که بر آنانی که خارج‌اند داوری کنم. آیا شما بر اهل داخل داوری نمی‌کنید؟ لکن آنانی را که خارج‌اند خدا داوری خواهد کرد (اول قرنتیان، ۵: ۱۲-۱۳).

اما اگر در معنای تثلیث کامل بودن آندو (پسر و روح‌القدس) در نظر گرفته نشود^۲، دیگر الوهیت آن دو بی معنا خواهد بود.

به هر صورت به نظر می‌رسد موضوع استقلال در شفاعت عقوبت (چه قائل به الوهیت یا تفویض از سوی خدا شویم) با توحید افعالی تعارض پذیر است.

شفاعت‌کننده

در عهد جدید شفاعت‌کننده منحصر در عیسی است و شفیع دیگری وجود ندارد.

۱. مک گرث؛ ۱۳۸۴: ۶۱ و اف. ئی. پیتز؛ ۱۳۸۴: ۳/۴۰۵-۴۰۶.

۲. همانطور که آریوس کشیش اجرایی شورای نیقیه معتقد بود. جوان آگریدی؛ ۱۳۷۷: ۱۵۷.

حضرت عیسی خود را چنین معرفی کرده است:

۱. پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را اقرار خواهم کرد. اما هر که مرا پیش مردم انکار نماید من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم نمود (متی، ۱۰/۳۳-۳۲).

۲. در دعا اسم مرا ببرید، از خدا بخواهید و بگیرید تا شاد شوید و شادی‌تان کامل گردد (یوحنا، ۱۶/۲۴).

پولس در این مورد نوشته است: پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم بوسیله او از غضب نجات خواهیم یافت. زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت (رومان، ۵/۱۰-۹). هم چنین نوشته: فیض و سلامتی از پدر ما خدا و عیسی مسیح سرور به شما باد (دوم قرنتیان، ۱/۲).

هولدریش زوینگلی بانی اصلاح دینی سویس معتقد بود که همان گونه که مسیح تنها برای ما مرد، او باید به عنوان تنها منجی و حامی بین خدای پدر و مومنان نیز پرستش شود. بنابراین، در خواست و طلب کردن میانجی‌های دیگر مخالف کلمه‌ی خداست (رابرت ای. وان وورست؛ ۱۳۸۴: ۳۵۶). هم چنین مستر هاکس نوشته شده است: «چون شفاعت مسیح را داریم به هیچ وجه من الوجوه احتیاج به شفاعت دیگر نه خواهیم داشت اعم از اینکه مقدس یا ملک باشد» (مستر هاکس؛ سال ۱۳۸۳: ۵۲۵). یا «در حقیقت واسطه حقیقی و تنها فیما بین خدا و انسان در جهان عیسی است» (همان/۹۰۷).

نکته قابل توجه در عبارات عهد جدید در موضوع شفاعت، قطعیت و اطمینان خاطری است که در آن به همه گناه کاران داده می‌شود.

شفوع فیه چیست؟

در دیدگاه مسیحی تمام انسانها مستحق عقوبت هستند. این استحقاق به سبب گناه ذاتی که از ناحیه آدم به آنها ارث رسیده و هم چنین از گناهی که توسط اختیار و ارتکاب شخص انجام می‌گیرد. پولس در مورد بخشش گناهان نوشته است: که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای خود طاهر سازد که ملک خاص او و

غیور در اعمال نیکو باشند) تیطس، ۱۴/۲) هم چنین لوقا نوشته است: برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هریکی از شما از گناهانش.^۱ (اعمال رسولان، ۲۶/۳) یا این جمله: و جمیع انبیا بر او شهادت میدهند که هر که به وی ایمان آورد به اسم او آمرزش گناهان را خواهد یافت^۲ (اعمال رسولان، ۴۳/۱۰). نکته قابل توجه در این قسمت بخشش تمام گناهان بخشودنی است^۱ و ایمان به عیسی، شرط کافی شفاعت است. «به سرور عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت.» (همان، ۳۱/۱۶). پولس در مورد کارکرد ایمان نوشته است: زیرا یقین میدانیم که انسان بدون اعمال شریعت محض ایمان عادل شمرده میشود. (رومیان، ۲۸/۳ و غلاطیان، ۱۶/۲).

مکان شفاعت کجاست؟

آنچه تا کنون از ظاهر کتاب مقدس (عهدین) در مورد شفاعت‌های واقع شده بیان گشت، مشخص می‌گردد که مکان‌های شفاعت عقوبت در دنیا، در روز قیامت و قبل از ورود به جهنم است.

ج) اسلام

قرآن مجید در آیات خود کلیات موضوع شفاعت عقوبت را به صورت جامع بیان داشته است. در اینجا به ابعاد مساله اشاره می‌گردد:

۱. شفاعت مطلق و مستقل فقط مربوط به خداوند است. زیرا شفاعت فرع بر مالکیت و مالکی غیر از خداوند نیست. از این رو خداوند می‌فرماید: «قل لله الشفاعه جميعا» هم چنین «لیس لهم من دونه ولی ولا شفیع» انعام/۵۱.
۲. شفاعت عقوبت مستلزم اذن خداوند (سبأ/۲۳ و طه/۱۰۹) و پذیرفته است (دخان/۴۲-۴۱).

۳. شفاعت عقوبت به صفات رحمانیت، رحیمیت و غفاریت خداوند ارتباط داده شده است. برخی آیات مربوط به این موضوع عبارت است از: طه/۱۰۹، مریم/۸۷، نبأ/۳۸،

^۱. گناه غیر بخشوده چنین معرفی شده است: «کسی که برخلاف روح القدس سخن گوید در این عالم و در عالم آینده هرگز آمرزیده نخواهد شد» (متی، باب ۳۲، فقره ۳۳).

زمر/۵۳ و هود/۹۰).

آیت الله جوادی در مورد شفاعت نوشته است: رحمت گسترده و عفو و مغفرت او با شرایط ویژه شامل حال بزه کاران می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

و از نظر دلیل عقلی به صفت رحمت برگشت دارد. زیرا رحمت و افاضه نعمت از مقتضیات الوهیت و از لوازم صفت ربوبیت است.

۴. هنگام قیامت شفیعان باطل در دنیا نابود می شوند (انعام/۹۴).

۵. قرآن شرایط شافعان را علم الیقین و شهادت به توحید دانسته است. و لا یملک الذین یدعون من دونه الشفاعۃ الا من شهد بالحق و هم یعلمون (زخرف/۸۶).

۶. قرآن شرایط مشفوع له را ایمان و عمل صالح (همان اصحاب الیمین) بیان داشته است. (مدثر/۴۸-۳۸).

۷. قرآن محرومین از شفاعت را ظالم، منافق، منکر روز قیامت و اهل شرک معرفی کرده است (غافر/۱۸، منافقون/۶، مدثر/۴۸-۴۶ و نساء/۴۸).

۸. ظرف شفاعت در دنیا مانند: آل عمران/۱۵۹، نساء/۶۴، یوسف/۹۸ و در ظرف آخرت مانند: هود/۱۰۷ و بقره/۲۵۵ دانسته است.

۹. قرآن به برخی مصادیق شفاعت در ظرف دنیا مانند استغفار پیامبر برای مؤمنان و عمل توبه اشاره کرده است.

اقسام شفاعت در قرآن

در آیات قرآن مجید به سه نوع شفاعت یعنی شفاعت تکوینی، شفاعت رهبری (تشریعی) در این دنیا و شفاعت رهبری در جهان آخرت پرداخته شده است. منظور از شفاعت در تکوین آن است که این جهان دارای نظام علی است که در آن اسباب و مسببات اعم از اسباب مادی و غیر مادی مثل دعای اشخاص خاص در حق دیگران؛ همگی به اذن الهی و تحت امر او در همدیگر تأثیر گذار هستند. قرآن مجید در مورد شفاعت در تکوین می فرماید: ان ربکم الله الذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش یدبر الامر ما من شفیع الا من بعد اذنه ذلکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون یونس/۳. از کلمه تدبیر در آیه شریفه چنین استفاده می گردد که تدبیر جهان خلقت به گونه ای طراحی شده است که علل و اسباب مادی و غیر مادی در تدبیر این عالم به صورت غیر

استقلالی نیز تأثیر گذار هستند.

منظور از شفاعت رهبری (تشریعی) آن است که راهنمایان الهی اسباب رهایی انسان‌ها از عذاب الهی و موجبات رحمت را فراهم می‌آورند. قرآن مجید در مورد شفاعت رهبری می‌فرماید «یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یشفعون الا لمن ارتضى و هم من خشیة مشفقون» (انبیاء/۲۸). یوم ندعوا کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه یمینه فاولئك یقرؤن کتابهم و لا یظلمون فیتلا (اسراء/۷۱). از این رو راهنمایان الهی در خطاب به مخاطبین خود چنین می‌گفتند: قولوا امنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون (بقره/۳۶). هم چنین «یا ایها الذین امنوا ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون (حج/۷۷)

استاد مطهری در مورد شفاعت در رهبری نوشته است: زمانی که یک انسان سبب هدایت انسانی دیگر می‌شود رابطه رهبری و پیروی در میان آنان در رستاخیز به صورت عینی در می‌آید و "هادی" به صورت پیشوا و امام، و "هدایت یافته" به صورت پیرو و مأموم ظاهر می‌گردد. در مورد گمراه ساختن و اغواء هم همینطور است (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۲۳۰).

در مورد شفاعت رهبری در آخرت یا شفاعت عقوبت در آخرت؛ قرآن مجید از یک سوی برای مبارزه با عقاید باطل دوران جاهلیت (مانند بت پرستان و...) و از سوی دیگر برای تصحیح عقاید موحدان در خصوص این موضوع؛ به دو شیوه سلبی و ایجابی آیاتش را بیان داشته است. از این رو می‌توان ادعا کرد که بیشترین آیات قرآن مجید در خصوص شفاعت مربوط به شفاعت در ظرف آخرت است؛ «مجموع آیات شفاعت ناظر به روز رستاخیز است و می‌رساند که در چنین روزی گروهی به اذن خداوند به داد افراد رسیده و به اذن الهی آنان را کمک می‌کنند» (سبحانی؛ ۱۳۶۹: ۶۷/۸).

حقیقت شفاعت در اسلام

با توجه به معنای لغوی شفاعت، به نظر می‌رسد که شفیع به اذن الهی و با حفظ مولویت، عبودیت و شریعت خدا در ناحیه مشفوع له به تقویت او می‌پردازد. بدین صورت که شفیع به سه صورت زمینه عفو را فراهم می‌آورد. اول: به صفاتی (مانند کرامت،

سجاولت و...) در خداوند که ایجاب عفو و بخشش می‌کند؛ تمسک می‌جوید. دوم: به صفاتی (مانند حقارت، ذلت و...) در بنده‌ی گناهکار که جلب رحمت و عطاوت می‌کند؛ تمسک می‌جوید. سوم: شفیع به صفاتی که در خودش نسبت به خداوند هست (مانند قربت و نزدیکی او به خدا) تمسک می‌جوید و بین سبب (فعل معصیت) و مسبب (مجازات الهی) فاصله ایجاد کند تا سبب جدید در مشفوع له اثر گذارد و مورد عفو قرار گیرد.

بنابراین اولاً: شفیع فرمانی نمی‌دهد تا مولویتی برای او به وجود بیاید. ثانیاً: شفیع وارد در حدود و مجازات الهی نمی‌شود تا در آن تغییری یا محدودیت اعمال نماید. ثالثاً: عمل شفاعت با توجه به اذن الهی چیزی جز خواست خدا و اراده او نیست تا با آن تقابل داشته باشد. آیت الله جوادی در مورد کیفیت کارکرد شفیع نوشته است: راه شفاعت برای کسانی که از جانب خداوند مأذونند، گشوده است؛ به این معنا که بر اثر اِبتِهال و تضرع شفیع، «عدل» الهی با «رحمتش» ضمیمه و حساب انسان‌ها با شَفْع (جفت شدن) عدل و رحمت، رسیدگی می‌شود و گرنه تحمل عدل محض خدای سبحان دشوار است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۰۲/۱).

قلمرو شفاعت

از جمله سؤالات در مسأله شفاعت عقوبت آن است که شفاعت در مورد چه نوع معاصی (کبیره یا صغیره) صورت می‌گیرد؟

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم (نساء/۳۱). با توجه به ظاهر آیه شریفه معاصی به کبائر و سیئات تقسیم می‌گردد و معاصی کبیره نیاز به شفیع و شفاعت دارد و گناهان صغیره به وسیله ترک گناهان کبیره بخشوده می‌شوند. توضیح آنکه کبیره و صغیره بودن گناهان نسبت به همدیگر است و گرنه هر گناهی نسبت به خدای عظیم کبیره است. خداوند در قرآن مجید در مورد برخی گناهان به نهی از آن اکتفاء نکرده و به دنبال آن وعده دوزخ داده است. مانند: قتل نفس (نساء/۹۳)، رباخواری (نساء/۱۶۱) و ...

پیامبر اسلام فرمودند: «ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» (شیخ صدوق، ۱۳۷۰:

یا فرمودند: "و اما شفاعتی ففی اهل الکبائر ما خلا اهل الشرک و الظلم" (نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۷ به نقل جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۶/۵).

مصادیق شفیع در قرآن

همانطور که قبلاً ذکر گردید قرآن مجید کلیات شرایط شفیع را بیان داشته و نیز مصادیق آن را در آیات معرفی کرده است. مصادیق شفیع در اسلام عبارتند از:

الف) فرشتگان؛ «و کم من ملک فی السموات لا تغنی شفاعتهم شیئاً الا من بعد ان یأذن الله لمن یشاء و یرضی» نجم/۲۶

ب) پیامبران بزرگوار اسلام و لسوف یعطیک ربک فترضی (ضحی/۵).

ج) پیامبران، علماء، صلحاء، شهداء و توبه کنندگان در جمع منظور این آیه شریفه قرار می گیرند. «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط» آل عمران/۱۸.

نماز شب خوان ها؛ خداوند برای نماز شب خواند ها امتیاز قرار داده است، مصداق عالی آن پیامبر اسلام است. خداوند برای ایشان می فرماید: «فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً» اسراء/۷۹. "مقام محمود" مقام بسیار برجسته‌ای است که ستایش برانگیز است. در روایات ائمه معصومین، مقام محمود به مقام شفاعت تفسیر شده است.^۱

د) پرهیزکاران، الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین زخرف/۶۷.

حضرت آیت الله جوادی آملی در مورد شفاعت کنندگان نوشته است: رسول گرامی اسلام، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه زهراء (س)، امامان معصوم، پیامبران الهی، فرشتگان، شهیدان راه خدا، دانشمندان و دین پژوهان، دانش پژوهان و قرآن، خویشاوندان (رحم- حمیم)، همسایگان، مؤمنان و پارسایان، امانت داران، توبه و بازگشت کنندگان به خدا، درود فرستادن بر محمد و آل او (ع)، اطفال سقط شده، صدیقان، پیکارگران با زبان، قلم و شمشیر و قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۴۱/۵-۱۴۰).

۱. نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۰۷، حدیث ۳۹۷؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۳۸، حدیث ۳.

مصادیق مشفوع له

شفاعت در مورد چه افرادی صورت می گیرد؟ قرآن در نقل داستان امت های سابق و هم چنین نقل وقایع زمان پیامبر اسلام به عمل شفاعت (در دنیا) برای برخی که گناه کرده و طلب استغفار می کنند - مانند طلب استغفار حضرت یعقوب برای فرزندان خود یا استغفار پیامبر اسلام برای برخی - اشاره دارد. و در مورد آخرت با توجه به باطل بودن احباط؛ شفاعت عقوبت برای کسانی که ایمان آنان مقبول در درگاه الهی است، اما مرتکب کبائری (غیر از شرک و ظلم) شدند، صورت می گیرد. از این پیامبر اسلام در میان امت خود برای اهل ایمانی که نیاز به مکمل دارد یا سببی که نیاز به تسمیم دارد، شفاعت می کند «ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» (شیخ صدوق، ۱۳۷۰: ۳/ ۴۹۶۳/۵۷۴).

در اینجا سؤال دیگری بوجود می آید؛ آیا شفاعت در علو درجات، فقط مربوط به مردم می گردد یا در مورد انبیاء هم صادق دارد؟ خواه مردم درخواست علو درجه انبیاء کنند یا انبیاء در حق همدیگر کنند؟ یا خداوند خودش به صورت مستقیم مقام انبیاء را بالا می برد؟

با توجه به جایگاه و منزلت شفیع در درگاه الهی؛ به نظر می رسد شفاعت عالی (پیامبر) برای عالی (پیامبر) منعی ندارد.

آیت الله جوادی نوشته است: «عالی ترین مراتب شفاعت آن است که برکت پیامبر و اهل بیت (ع) شامل حال پیامبران و مرسلین گذشته می شود (جوادی آملی؛ معاد در قرآن؛ ۱۳۸۳: ۱۶۷/۵).

اما شفاعت «علو» از دانی (مردم عادی) برای عالی (انبیاء) درست نیست. علامه حلی و محقق طوسی در این مورد نوشته اند: شفاعت از ناحیه امت در حق حضرت محمد (ص) باطل است (قوشچی، ۱۴۰۷: ۴۱۶؛ حلی، ۱۳۶۳: ۱۶۷). اما مفسر قرآن آیت الله جوادی آملی نوشته است: شفاعت عالی از دانی در هر دو مورد (تخفیف عذاب و طلب منافع زیاد و علو درجات) صحیح است. اما در خواست علو درجه برای رسول اکرم شفاعت نیست؛ زیرا هر زیاده منافع شفاعت نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۴۷/۵).

ممکن است منظور ایشان دعای مردم مؤمن در جهت علو مقام پیامبر اکرم (ص) باشد

که در این صورت از موضوع شفاعت مصطلح خارج و جزء موضوع مستجاب بودن دعا مؤمن در حق برادر مؤمن قرار می‌گیرد. زیرا خداوند فرمود: «ادعونی استجب لکم».

مشفوع فیه در اسلام

در اینجا سؤال می‌شود چه کارهایی مورد شفاعت واقع می‌شوند و چه کارهایی مورد شفاعت واقع نمی‌شوند؟ کارهایی که مشمول شفاعت واقع نمی‌شوند عبارتند از:

۱. انکار روز رستاخیز؛ «و کنا نکذب بیوم الدین حتی اتانا الیقین فما تنفعهم شفاعۃ الشافعین» (مدثر/ ۴۸-۴۶).

۲. از ظلم؛ «یا ایها الذین امنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی یوم لا ینفع فیه و لا خلۃ و لا شفاعۃ و الکافرون هم الظالمون» (بقره/ ۲۵۴). کسانی که ایمان نمی‌آورند و یا حدود الهی را رعایت نمی‌کنند در مجموع ظالم محسوب می‌گردند.

۳. عدم ایمان به پیامبر آخر الزمان؛ «و اتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا و لا یقبل منها عدل و لا تنفعها شفاعۃ و لا هم ینصرون» (بقره/ ۱۲۳).

۴. بت پرستی، این عقیده از سوی بت پرستان مطرح بود که بت‌ها شفیعشان در روز قیامت خواهد بود و از همین روی بت‌ها را می‌پرستیدند. قرآن برای ابطال این عقیده می‌فرماید: «و لم یکن لهم من شرکائهم شفعاء و کانوا بشرکائهم کافرین» (روم/ ۱۳). و همچنین «ام اتخذوا من دون الله شفعاء قل اولو کانوا لا یملکون شیئا و لا یعقلون» (زمر/ ۴۳).

۵. نفاق؛ «سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم ان الله لا ینصت» (القوم الفاسقین/ منافقون/ ۶).

به غیر از موارد بیان شده بقیه اعمال در صورت داشتن نصاب شفاعت (ایمان و عمل صالح) مورد شفاعت قرار می‌گیرند.

گستره‌ی شفاعت

از موارد استعمال آیات قرآن در موضوع شفاعت عقوبت (در دنیا و آخرت)؛ گستره آن مشخص می‌گردد. اما کارکرد شفاعت عقوبت در دنیا عبارت از: رهبری، هدایت و امیدواری به مشفوع له است. از این رو قرآن مجید می‌فرماید: لازم است گناهکاران حضور

پیامبر بروند و به او توسل جسته و از او در خواست کنند که در حق آنان از خداوند طلب آمرزش کند. «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما» نسا/۶۴. هم چنین خداوند به پیامبر امر می کند که در حق آنان دعا و طلب آمرزش کند «و صل علیهم ان صلاتک سکن لهم و الله سمیع علیم» توبه/۱۰۳.

نکته قابل توجه این بخش آن است که با توجه به این که شفاعت کننده اصلی خداوند است بنابراین خواه شفیع در قید حیات باشد یا مرده باشد، در صورت مساله تغییر جدی ایجاد نمی کند و موجب شرک به خداوند نخواهد شد؛ نهایتش این است که در صورتی که شفیع در قید حیات نباشد، شبهه لغو بودن شفاعت مطرح می شود که بدان پاسخ داده اند.

اما کارکرد شفاعت برای اهل ایمان در ظرف آخرت (روز محشر)، جهنم و بهشت متفاوت است. برای برخی از مؤمنان شفاعت در تعجیل حسابرسی، تخفیف در حساب، از بین رفتن ترس و اضطراب قیامت و سقوط عذاب جهنم (دفع یا رفع)^۱، برای برخی دیگر تخفیف در عذاب جهنم آنان (فاما الذین شقوا ففی النار لهم فیها زفر و شهیق خالدین فیها ما دامت السماوات و الارض الا ما شاء ربک ان ربک فعال لما یریده هود/۱۰۷-۱۰۶) و برای برخی ترفیع مقام در بهشت (حتی انبیاء و اولیاء)^۲؛ باشد.

امام خمینی در مورد ظرف شفاعت نوشته است: «ممکن است شفاعت در همان آنی که نفس تمام شد حاصل شود، و ممکن است (در برزخ) نور ایمان ساطع گردد و ممکن است اول زمان روز قیامت و یا در یکی از مواقف و یا بعد از مدتی که در جهنم سوخت این توفیق حاصل شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

۱. متکلمان اسلامی در باره کارکرد شفاعت اختلاف نظر دارند. و این اختلاف در جهت علو درجه مشفوع له یا اسقاط عذاب از او و یا هردو خلاصه می گردد. معتزله بر قول اول و امامیه قائل به دوم اند. آیت جوادی آملی به نکته ظریفی در قول امامیه توجه کرده و تبصره ای به آن زدند. بدین صورت که هر دو مورد، از شخص عالی برای دانی صحیح می داند ولی در خواست دانی برای علو درجه عالی را شفاعت نمی داند. (عبدالرزاق لاهیجی، ۱۳۶۴: ۱۶۹ و جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۴۷/۵-۱۴۵).

۲. ر.ک تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۸.

فرق توبه و شفاعت عقوبت

در کتاب‌های حزقیال و ارمیا از عهد عتیق دعوت به توبه و برگشت به راه هدایت صورت گرفته و نوشته شده است: توبه کنید و از بتهای خود بازگشت نمایید و رویهای خویش را از همه رجاسات خود برگردانید. (حزقیال، باب ۱۴، فقره ۶)، من گوش خود را فرا داشته شنیدم اما براستی تکلم نمودند و کسی از شرارت خویش توبه نکرده (ارمیا، باب ۸، فقره ۶).

هم چنین در کتاب‌های متی، مرقس، لوقا، اعمال رسولان و.... نوشته شده است: اگر توبه نکنید همگی شما همچنین هلاک خواهید شد. " (لوقا، باب ۱۳، فقره ۵)، پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور یهوه برسد (اعمال رسولان، باب ۳، فقره ۱۹).

مضاف براین در قرآن مجید آمده است. «و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفو عن السیئات و یعلم ما تفعلون» شوری/۲۵.

در بررسی «توبه» میان متون نقل شده به دست می‌آید که در کتاب‌های عهدین وقتی سخن از توبه مطرح می‌شود از راه دیگری همدیاف توبه سخن گفته نمی‌شود در حالی که در قرآن چنین نیست.

در آیه بالا خداوند بعد از بیان موضوع توبه، موضوع عفو گناهان را با حرف «واو» عطف کرده و این نشان می‌دهد که اینجا دو موضوع جداگانه است. ظاهراً عمل عفو گناهان مربوط به عمل توبه نیست و گرنه با واو عاطفه بیان نمی‌شد. ضمن این که تفاوت‌هایی میان آن دو هست که عبارتند از:

۱. از نظر فقهی؛ از ظاهر آیات قرآن مجید، کتاب حزقیال (۶/۱۴) و کتاب متی (۲/۳) وجوب «توبه» استفاده می‌گردد. «وتوبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون» نور/۳۱. اما شفاعت این چنین نیست.

۲. فوریت و تأخیر؛ با توجه به عدم آگاهی انسان از زمان مرگ؛ عقل حکم به فوریت توبه می‌کند. اما شفاعت نه.

۳. از نظر زمان؛ توبه در دنیا و تا قبل از مرگ است. «و لیست التوبه للذین یعلمون

السیئات حتی اذا حضر احدهم الموت» نساء/۱۸. خداوند در مورد عدم قبول توبه فرعون می فرماید: حتی اذا ادرکه الفرق قال امت انت لا اله الا الذی امتت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین؛ الان و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین « یونس/۹۱-۹۰. اما شفاعت در آخرت برای کسانی است که در متون دینی خود این موضوع دارند.

۴. پذیرش؛ قرآن مجید، پذیرش قطعی توبه (البته با حفظ شرایط) به صراحت بیان داشته «و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفوا عن السيئات و یعلم ما تفعلون» شوری/۲۵ و از ظاهر عبارات کتاب عهدین پذیرش «توبه» استفاده می گردد. اما پذیرش شفاعت بر خلاف عهد جدید از نظر قرآن قطعی نیست.

۵. از نظر قلمرو؛ توبه مربوط به تمام گناهان است ولی شفاعت و عفو در اسلام به برخی از گناهان است. بنابراین شفاعت در حد موجه جزئی مطرح شده است ولی توبه در حد موجه کلیه است. البته موجه جزئی منافاتی با بخشش کثیر ندارد. اما در کتاب عهدین تفکیک بالا ذکر نشده است. علی الخصوص در عهد جدید که شفاعت را در همه گناهان می داند.

۶. از نظر جایگاه؛ قرآن جایگاه تائب را بالا معرفی می نماید. «ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین» بقره/۲۲۲. زیرا تائبان در زمره دوست خداوند (یعنی مانند متقین، نیکوکاران، مجاهدان و...) قرار می گیرند. در عهد جدید امکان استفاده این مطلب در کتاب اعمال رسولان (باب ۳، فقره ۱۹) وجود دارد.

۷. در مورد قدرت کارکرد، کارکرد توبه از هر واسطه‌ی دیگر بیشتر است و لذا اگر توبه پذیرفته شود؛ با وجود او از شفاعت بی نیاز می گردیم. قرآن مجید می فرماید: «قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم» (زمر/۵۳). همچنین علی (ع) می فرماید: «لا شفیع انجح من التوبه»، از این رو آیت الله سبحانی نوشته است: مفسران می گویند با پذیرش توبه از سوی خداوند؛ گناهان ساقط می شود و دیگر نیازی به عفو نیست (سبحانی، ۱۳۶۹: ۸/۸۴).

در اینجا سؤال بوجود می آید؛ آیا با پذیرش توبه؛ باز هم نیاز به شفاعت است؟ پاسخ مثبت یا منفی به این سؤال در گرو سه مقدمه است. اولاً: بپذیریم توبه دارای مراتب است.

ثانیا: مراد از توبه؛ توبه ناقص باشد؛ نه توبه کامل. زیرا در توبه کامل با توجه به مقتضای غفاریت خداوند کار به مرحله شفاعت کشید نمی‌شود. از این رو امام خمینی (ره) در مورد توبه کامل نوشته است: شخص تائب اگر بخواهد به مرتبه کمال آن نایل شود، باید تدارک تروک را که کرد- آنچه را که ترک کرده بود تدارک کرد- تدارک حظوظ را نیز بکند (موسوی خمینی؛ ۱۳۸۲: ۲۲۰).

ثالثا: انسان برای اعمال شرعی خود انگیزه متفاوتی دارد؛ از جمله توبه. با توجه به مقدمات فوق، طلب توبه از برخی اعمال بد، تبعیض پذیر خواهد بود و در صورت پذیرش توبه ممکن است به عمل شفاعت نیز نیازمند گردد.

آیت الله سبحانی در مورد تبعیض توبه نوشته است: لازمه‌ی رحمت گسترده‌ی خدا و این که او بخشاینده‌ی گناهان باشد، این است که تبعیض در توبه، در باره گناهان مورد پذیرش حق تعالی، باشد (سبحانی، ۱۳۶۹: ۲۳۵/۸).

مقایسه شفاعت عقوبت در قرآن تورات و انجیل

عناوین مربوط به شفاعت	قرآن	تورات	انجیل
اراده آزاده برای برگشت از گناه	قبول دارد	قبول دارد	قبول ندارد
استحقاق عقوبت	فعل مکلف	فعل مکلف	فعل مکلف
انتقال عقوبت به دیگری	صورت نمی‌گیرد	صورت نمی‌گیرد	صورت می‌گیرد
راه رهایی از عقوبت	شفاعت و توبه	شفاعت و توبه	فدایی شدن عیسی
شفاعت/فدایی شدن	شفاعت آمده است	شفاعت آمده است	فدایی آمده است
صفات کمالیه مرتبط با شفاعت	رحماتیت، رحیمیت و غفاریت	رحمت و رأفت	محبت
نحوه دلالت بر شفاعت	دلالت لفظی مطابقی	دلالت التزامی	دلالت لفظی مطابقی
شفاعت و توحید افعالی	آمده است	نیامده است	نیامده است
شفاعت مأذون در کتاب	آمده است	نیامده است	آمده است
مشفوع فیه	فقط گناهان کبیره	تفکیک صورت نگرفته	تفکیک صورت نگرفته
شرط شفاعت	ایمان و عمل مشفوع له	ایمان و عمل مشفوع له	فقط ایمان مشفوع له

مکان شفاعت	در دنیا و آخرت	در دنیا	در دنیا و آخرت
شرایط شافع در کتاب	آمده است	نیامده است	نیامده است
شافع	متعدد است	متعدد است	عیسی است
پذیرش شفاعت در آخرت	تضمین نشده است	سالبه به انتفاع موضوع است	تضمین شده است

شبهات شفاعت. تجزیه

یکی از شبهات مربوط به شفاعت این است که شفاعت موجب افزایش جرأت متدینان در انجام اعمال قبیح می‌گردد. در نتیجه آمار بد اخلاقی‌ها و کارهای ناشایست در جامعه توسعه پیدا می‌کند. درحالی که یکی از اهداف دین آن است که موجب رشد معنویت و ترقی اخلاقی در فرد و جامعه و مانع تجاوز به حقوق دیگران شود.

در پاسخ به این شبه لازم است که آثار شفاعت دنیوی و اخروی را از هم جدا کنیم. بدیصورت که شخص عاصی در اعمال دنیوی باید تاوان جرم خود را بپردازد. در این قسمت شریعتی که در انواع مسایل اجتماعی احکام مجازات تعیین کرده است مانند قصاص، دیه، تعزیر و... جنبه تجزیه مطرح نمی‌شود، اما اگر دعوت به جدایی دین از شریعت یا شریعت گریزی تبلیغ گردد، چنانکه علت اختلاف حواریون و پولس^۱ و هم چنین رساله یعقوب^۲ به این موضوع اشاره دارند؛ اشکال گفته شده به نظر درست می‌رسد. لذا لازم است ظاهر عبارات بخش‌هایی از عهد جدید در این مورد تبیین گردد. این بخش‌ها عبارتند از:

۱. لکن الحال بدون شریعت عدالت خدا ظاهر شده است چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت میدهند (رومان، ۲۱/۳)؛

۲. اما چونکه یافتیم که هیچکس از اعمال شریعت عادل شمرده نمیشود بلکه به ایمان

^۱. جوان اگریدی؛ ۱۳۷۷: ۲۲.

^۲. می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید (رساله عقوبت، ۲؛ فقره ۲۲).

به عیسی مسیح ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد (غلاطیان، ۱۶/۲).

۳. پس شریعت لالای ما شد تا به مسیح برسند تا از ایمان عادل شمرده شویم. لیکن چون ایمان آمد دیگر زیر دست لالا نیستیم (غلاطیان، ۲۴-۲۵/۳).

۴. اینک من پولس به شما میگویم که اگر مختون شوید مسیح برای شما هیچ نفع ندارد. بلی باز به هرکس که مختون شود شهادت میدهم که مدیون است که تمامی شریعت را بجا آورد. همه شما که از شریعت عادل میشوید از مسیح باطل و از فیض ساقط گشته‌اید. زیرا که ما بواسطه روح از ایمان مترقب امید عدالت هستیم. و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل میکند (غلاطیان، فقرات ۵-۶-۷).

۵. زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند زیر لعنت می‌باشند زیرا مکتوب است: "ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را بجا آرند." (غلاطیان، ۱۰/۳).

و اما بخش دوم یعنی در مورد آثار اخروی، پاسخ این است که اولاً: معلوم نیست که گناه مجرم جزء جرایم بخششی باشد. ثانیاً: مقدار مجازات برای جرم مشخص نیست تا مجرم نسبت به ارتکاب آن جرأت پیدا کند. ثالثاً: معلوم نیست مجرم مشفوع له قرار گیرد. بنابراین شخص عاصی بین خوف و رجاء قرار دارد و در صدد جبران مافات هست. رابعاً: در روایات اسلامی آمده است که شفاعتی در برزخ نیست.

شبه نقض اراده ازلی خدا

آیا پذیرش شفاعت سبب نمی‌گردد که حکم خداوند و اراده ازلی او در مورد مجرم و قانون مجازات شکسته گردد؟

پاسخ این که خداوند دارای دو گونه صفت است. یکی صفات ذات است و دیگری صفات فعل. صفات ذات تغییر پذیر نیست. اما صفات فعل به تبع طرف مقایسه قابل تغییر است. اراده ذاتی ازلی خداوند در این مساله بر فرض بر این قرار باشد که به نتایج اعمال توجه داشته باشد. اما اراده فعلی او بستگی به حالات روحی مشفوع له دارد. چنانکه در

صفات فعل همین طور است. خداوند در یک زمان معین برای شخص مشخص رازق است و در یک زمان دیگر برای همان شخص رازق نیست. بنابراین اراده ازلی تغییر نمی کند. آنچه تغییر می کند اراده فعلی است که متناسب با شرایط روحی مشفوع له تغییر می کند. به بیان قرآن عمل خداوند «کل يوم هو فی شأن» است.

نتیجه گیری

۱. براساس کتاب مقدس و قرآن، شفاعت حقیقی مربوط به خداوند و خبر شفاعت مأذون در قرآن و عهد جدید آمده است.
۲. موضوع شفاعت در عهد قدیم از سوی پیامبر، به صفت رحمت نسبت داده شده است. در قرآن مجید خداوند علاوه بر صفت رحمت، صفت رحیم بودن و غفاریت را به خود نسبت داده است. اما در عهد جدید موضوع شفاعت عیسی از روی محبت برای رفع غضب خداوند و آشتی میان او و بندگان مطرح شده است.
۳. موضوع انتقال اسحقاق عقوبت و فداء برخلاف موضوع شفاعت با صفت عدالت یا صفات کمالیه خداوند سازگار نیست.
۴. مشفوع فیه در اسلام و یهودیت گناه شخصی است. اما در مسیحیت مطلق گناه (ارثی، شخصی ارادی و غیر ارادی) است.
۵. مشفوع فیه در اسلام برخی گناهان کبیره است. در یهودیت و مسیحیت این تفکیک نیست.
۶. شرط شفاعت در اسلام و یهودیت ایمان و عمل است در صورتی که در مسیحیت فقط ایمان است.
۷. برای شفاعت در آخرت اسلام شفیعان متعددی معرفی کرده است ولی در مسیحیت تنها عیسی شفیع است.
۸. در اسلام پذیرش شفاعت در آخرت تضمین نشده اما در مسیحیت تضمین شده است.
۹. در اسلام و یهود مقدمات شفاعت از سوی انسان بر داشته شود ولی در مسیحیت این عمل از سوی خدا انجام می گیرد.

۱۰. گستره‌ی شفاعت عقوبت در یهودیت در ظرف دنیاست، مسیحیت دنیا و آخرت (ظاهرا تا قبل از ورود به جهنم) و در اسلام در ظرف دنیا و آخرت و حتی در جهنم و بهشت است.
۱۱. از میان کتاب‌های مورد بررسی تنها در کتاب قرآن شرایط شفیع و مشفوع له به صراحت ذکر شده است.
۱۲. ایرادات گرفته شده بر شفاعت به خصوص «تجری» مبتنی بر تبیین خاص از شفاعت و در دین خاص است.

فهرست منابع

قرآن

کتاب مقدس.

ترجمه تفسیری کتاب مقدس.

اف. ئی. پیترز، (۱۳۸۴)، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.

جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم* (توحید در قرآن) ج ۲، انتشارات اسراء، چاپ اول.

جوان آگریدی، (۱۳۷۷)، *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۵)، *معاد شناسی*، ج ۹، انتشارات حکمت، طبع سوم.
حلی، جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف، (۱۳۶۳)، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، انتشارات الرضی - انتشارات بیدار، چاپ دوم.

حیدری، سید کمال، (۱۴۲۵)، *الشفاعة بحوث فی حقیقتها و اقسامها و معطياتها*، انتشارات دار فراق، چاپ اول.

دنیز ماسون، (۱۳۸۵)، *قرآن و کتاب مقدس*، ترجمه فاطمه السادات تهامی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، چاپ اول.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

رابرت ای. وان وورست، (۱۳۸۴)، *مسیحیت از لایه‌لای متون*، مترجمان جواد باغبانی و عباس رسول زاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

راغب اصفهانی، (۲۰۰۰)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، محمد خلیل عیتانی، دارالمعرفه بیروت - لبنان، الطبعة الرابعة.

زبیدی، محمد جواد، (۱۴۲۶)، *مفهوم الشفاعة فی القرآن*، انتشارات دار فراق، ایران - قم، چاپ اول.

زیبایی‌نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۲)، *مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای*، تهران، سروش، چاپ اول.

سبحانی، جعفر، (۱۳۶۹)، *منشور جاوید*، جلد ۸، ناشر دارالقرآن الکریم، چاپ اول.

- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، *الوهابیه فی المیزان*، مؤسسه الامام الصادق، چاپ سوم.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۷)، *محاضرات فی الالهیات*، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دهم.
- علاء البصری، (۱۴۱۵)، *حافظ*، شرح مصطلحات کلامی، مجمع البحوث الاسلامی، چاپ الاولی، ایران - مشهد.
- کهن، ابراهام، (۱۳۸۲)، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ج اول.
- لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۶۴)، *سرمایه ایمان*، انتشارات الزهراء، چاپ دوم.
- لین، تونی، (۱۳۸۰)، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، نشر و پژوهش فرزانه، ج اول.
- محمدیان، بهرام، (۱۳۸۱)، *دایره المعارف، کتاب مقدس*، انتشارات سرخدار، چاپ اول.
- مستر هاکس، (۱۳۸۳)، *قاموس کتاب مقدس*، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، *عدل الهی*، انتشارات صدرا، چاپ اول.
- مک گرث، آلستر، (۱۳۸۴)، *درسنامه الاهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ج اول.
- مک گرث، آلستر، (بی تا)، *درسنامه الاهیات مسیحی*، ترجمه عیسی دیباج.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۲)، *عدل الهی از دیدگاه امام خمینی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- میشل، توماس، (۱۳۷۷)، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
- میلر، ویلیام.م.، (بی تا)، *مسیحیت چیست*، ترجمه کمال مشیری.
- الن آتزامن، (۱۳۸۵)، *باورها و آیین های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.